

گوشتان آشناسنت؟ این ماده حشره کش قهاری است که قادر می بود بیماری مالاریا و پشه ناقل آن «آنوفل» را به کلی ریشه کن کند ولی به علت مخاطراتی که برای موجودات دیگر ایجاد می کرد تولید و مصرف آن در سال ۱۹۷۰ به بعد قدهن شد. مع الوصف پس از گذشت ۳۵ سال هنوز این ماده در منابع آبهای زیرزمینی و بویژه در بدن انواع ماهی ها به کثرت یافت می شود. این است که نسل حیوانات به خطر می افتد و دستگاه مصونیتی انسان خلل می پذیرد که حقیقتاً یک "وحشت بزرگ" است.

مصرف گوشت های "ناپاک" و سایر "اغذیه کثیف" (JUNK FOODS)، همراه با کثرت مواد شیمیائی در آب و خاک و هوا، دست به دست هم داده زمینه را برای بروز انواع و اقسام بیماری ها فراهم می سازند. مسومیت نامرئی با مواد شیمیائی مبدأ و منشأ بسیاری از ضلالت ها و مشکلات جسمی و روحی عصر صنعت است. این مواد قادرند اخلاق را فاسد، بنیه را ضعیف و عقل را زایل سازند. (۷) علت چاقی های مفرط و بی قواره نیز شاید همین تغذیه ناصحیح باشد.

مهربانان! این چنین ناباورانه ننگرید و از حقیر، به جرم تغول در تخیلات باریک، دامن میافشانید. آیا حقایق تلخ را خواهانید یا اکاذیب گوش نواز را؟ آیا «شمس وزیر خیراندیش» را بیشتر دوست دارید یا «قمر وزیر حرامزاده» و «مادر فولاد زره» را؟ در آغاز این مقاله «رومانیک» و سوزناک، شما عزیزان را به «اندیشیدن» دعوت کردم و سپس کوشیدم تصویر گویائی از خطراتی که در کمین محیط زیست (یعنی سلامت نوع بشر) نشسته است ارائه دهم. اینک باز هم شما را به «تفکر و تأمل» می خوانم زیرا که فقط به نیروی اندیشیدن است که آدمی می تواند به گنه مسائل پی ببرد، از حقایق و علت وجودی آنها آگاه گردد، و درست را از نادرست تمیز دهد. از سوی دیگر خصایلی چون قدرت مشاهده و تدقیق، قضاوت خردمندانه، عشق به طبیعت و معنویات، از موجبات تقویت ذهن و روان نیز می باشد.

بر ماست که در این طریق اجتهاد کنیم تا در صفوف صغیران ولا یعلمون در جانز نیم.

جهان صنعتی با ایجاد بیش از ۸۰,۰۰۰ ماده شیمیائی، که اکثر آنها مستخرج از نفت هستند، محیط زیست روی زمین را به مخاطره انداخته است. از سوی دیگر یک بیلیون و سیصد میلیون چینی، و یک میلیون هندی، به شتاب در حال پیوستن به «قافله تمدن» اند و جوامعی بر مبنای نفت بنا می کنند. در کشور چین، هفته ای دو کارخانه با سوخت ذغال معدنی بالا می رود که میلیون ها خوراک ماده شیمیائی و CO2 وارد جو کره زمین می کند. سیل خروشان مواد پتروشیمیائی از یک طرف باعث ازدیاد دمای کره زمین (Global Warming) شده و از سوی دیگر کیفیت حیات در روی زمین را در معرض صرصرهای دهشتناکی قرار می دهد. که از لحاظ احتمال پی آمدهای ناگوار در تاریخ بی سابقه است. (۸)

دنباله مطالب در صفحه ۴۱



و گوساله ها؟

می بینم آنان را با تنی نزار و چشمان بی فروغ، انگار نگاهشان به هیچ جا بر نمی تابد. پای بسته، خسته و درمانده اند. گوئی ماغ ماغ کردن فراموشان شده است. می بینم آنان را در دخمه های تنگ و تاریک که گوشت خوک نشخوار می کنند و هر دم آرزوی مرگ دارند. دیگر از غل و زنجیر و هرمون و آنتی بیوتیک به تنگ آمده اند. با ماغ ماغ هائی در گلو شکسته، گوئی به سلاخان لابه می کنند... بکشید ما را... بکشید ما را... ما...!

احوال گاو میش ها و گاو ان شاخدار شیرده نیز به همین عنوان است. آیا «آه سرد» آنان بر دل سنگ دژخیمان اثری دارد؟ (۴) در ضمن فراموش نکنیم که این حیوانات پاک و نجیب جلوه هائی از ملکوت الاهی در روی کره ارض می باشند که به این وضع دلخراش افتاده اند. آیا این توهینی به کبریای پروردگار نیست؟ مسلماً گاوها «ترجیح» میدهند خرمن بکوبند و زمین شخم کنند ولی آزادانه چرا کنند. گروهی «غیرمتمدن» در هندوستان هنوز این مخلوقات نجیب را پرستش می کنند ولی ما سرنشینان کوردل ممالک «متمدن» آنان را این گونه می آزاریم. (۵)

آیا می دانید؟

فرآورده های پتروشیمیائی نظیر پلاستیک و لاستیک هرگز از بین نمی روند چون که قابل استحاله در طبیعت (BIODEGRADABLE) نیستند. شهرداری ها این انساج مصنوعی را می سوزانند و "دود" به چشم خلائق روی زمین می رود و آنها را تدریجاً از پای در می آورد. (۶) این گونه مواد سمی، که داروهای ضدآفات (PESTICIDES) نیز از آن زمره اند، اثر مخربی روی بسیاری از اعمال طبیعی بدن دارند، بخصوص سیستم ایمنی بدن را مختل ساخته زمینه را برای بروز عوارضی چون آسم و سرطان فراهم می کنند. مواد مستخرج از نفت زوال ناپذیراند؛ می آیند و می مانند. در مناطقی از ویتنام که در جریان جنگ در آن خطه مورد بمباران شیمیائی قرار گرفت پس از قریب به ۴۵ سال هنوز گیاهی نمی روید. آیا لغت DDT هنوز به

دنیای پزشکی

دکتر فریدون منسویی با همکاری دکتر شروین منسویی و دکتر مهری منسویی

وحشت بزرگ

کبک های نجیب پیرامون کدامین چشمه ساران حلقه زده اند؟ کفتر چاهی ها بر لب کدامین بام نشسته اند؟ نگاهم به دنبال این جانور کان حیران است. جستجوگرانه به هر سوی می نگرم اما چیزی نمی یابم. نگارستان طبیعت از آوای مرغکان خالی است، ویرانه ها از هو هوی جعدان. همه جا سوت و کور است. حتی کرکس ها هم ناپدید شده اند! چه به سر این موجودات زیبا آمده است؟

آغوش مام طبیعت خالی است. سبزه ها پژمریده اند. درختان خاموش ایستاده سر به گریبان دارند. آیا مراد از تمدن این است؟ آیا مدنیت یعنی جائی که پرند پرزند؟ از سایر موجودات هم چندان اثری نیست.

شاهپرک ها در کجا نرم نرم بال می ساینند؟ زنبوران عسل از شیره کدامین گل ها شهد می سازند؟ خرگوش ها در کدامین مرغزار به جست و خیز اند؟ لاک پستان دیرجنب در کجا می خرامند؟

چرا تنگ غروب از ولوله وزغ ها خبری نیست؟ بلدرچین ها در کجا آرمیده اند؟ خفاشان شب پرست در چه لانه ای ماوا گزیده اند؟ سکوت شبانگاهان را جیرجیرک ها چرا درهم نمی شکنند؟

دیگر نه بلبللی است که دم بجنباند و نه کبوتری که به عشق یار بغیغو کند. چه بسر این جانورکان آمده است؟ ملخ ها، مارمولک ها، بزمنجه ها، زنبوران درشت بی معرفت، سارها، زغ ها، زاغچه ها، پروانه ها، دارکوب ها، دم جنبانک ها... آهای شما کجاآید؟ (۳)

بانگ من پژواک کرده باز می گردد. سبزه ها پژمریده اند. درختان، همچنان ساکت و سر به گریبان اند!

آنانی که برای حفظ چند حیوان زشت و بیقواره که اکثر ما آنها را نه دیده ایم و نه خواهیم دید، بلغاک می کنند، چرا سخنی از زوال تدریجی این بندگان پاک خدا که همگی با آنان انس و الفت داریم نمی زنند؛ آیا آنها اصلاً از این واقعیت آگاهی دارند؟ روزهای بی شاپرک، و شبهای بی زنجیره چه حزن انگیز است! آیا این شبان قیرقام را سحری در پی خواهد بود؟

راستی از قوقولوهای بامدادی خروسهای گردن طلائی و مخملین تاج چه خبر؟ و جوجه های زرد زیبا؟

آنچه در این باره می دانیم این است: تعدا کثیری از این مرغک ها را در آلونک های تنگ چپانده اند چراغ این آلونک ها همیشه روشن است تا مبادا خوابشان ببرد. سپس بدانها دانه های غیرطبیعی آغشته به هرمون و آنتی بیوتیک می خوراند تا ظرف ۲۴ روز جاق و «پروار» شده آماده عرضه به بازار مصرف شوند. آنگاه چراغ ها را برای نخستین بار خاموش می کنند، و لختی دیگر چراغ عمر جوجه های زرد زیبا را!

دکتر فریدون منسویی به خوانندگان با وفای پژواک درود می فرستد و با نگارش این مقالات، صحت و سلامت را که لازمه یک زندگانی توام با کامرانی است، به رسم ارمان به شما عزیزان تقدیم می دارد.

نفس باد صبا ششک فشان خواهد شد عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد ارغوان جام عقیقی به سین خواهد داد چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد

آری چندی است بهار فرارسیده و بردشت و دمن و تیه و کوه فرشی زمردین گسترده است. از بسبب خاکستر گون جلگه ها و تا تارک کبود فام کوه ها، غرق سبزی و خرمی است. اینجا و آنجا چند گل و وحشی نیز به چشم می خورد. از لاله های سرخ و زرد و شقایق ها، و از سنبل و نرگس و بنفشه زارها البته که خبری نیست ولی رویهمرفته طبیعت زیباست و آدمی را به وجد و سرور می آورد. درخت بادام، که زودتر از هر درخت دیگری می شکند، مدتهاست شکوفه کرده، و سایر دار و درختان نیز شاخ و برگ برافراشته اند. رایحه عطرناک اواسط بهار هوش از سر می رباید ولی طرفه آن که این رواج برای بسیاری کسان که از آلرژئی ها در رنج اند چونان بادهای مسموم است. حافظ عزیز مسلماً از این بیماری در امان می بوده و گرنه حتملاً عطسه و خارش مستمر چشم و بینی بدو مجال برای تفتن و تغزل نمی گذاشت! به نظر بنده، این عارضه در هفتصد سال پیش یا وجود نداشته و یا بسیار خفیف و نادر بوده زیرا که آلرژئی و حساسیت نیز، همانند بسیاری از آلام مزمن، زمینه مساعد برای بروز لازم دارد.

قبل از اینکه به بحث پزشکی بپردازیم بدن نیست لختی اندیشیده و از خود پرسیم: خوب، حالا که طبیعت سبزه باران و گل افشان شده است پس چرا "از آوای بلبلان خبری نیست؟

پرستوها و سارها کجاآید؟ گنجشکان در کجا جیک جیک می کنند؟ هددها در کدام آبادی بود و باش دارند؟ آیا قوی ها دسته جمعی رفته اند تا در گوشه ای تنها بمیرند؟ (۲)

آن بالاها، بر سر شاخه درختان تنومند، چرا کلاغی نیست؟ عندلیبان دستان سرای خوش نوا، در کدامین بوته زار به ترم و تنعم اند؟ شاهین های بلند پرواز بر فراز کدامین آسمان لاجوردین، اوج گرفته اند؟ لک لک های نازک پا، عقاب های قوی پنجه، درناهای شکوهمند، در کجا بال و پرگشوده اند؟ کبوترهای سپید، در سینه آبی کدامین سپهر، شق شق می کنند و در فراز و فرودند؟

خانه خود را فقط با ۳ درصد کمیسیون به فروش برسانید!



Residential & Commercial Specialist,
serving the entire Bay Area

ملیح آذر
مشاور وام و املاک

Up to 50% Credit to buyer from our commission for non-recurring closing cost. (When we do both loan & real estate transaction)

(408) 506-6164 & (408) 722-7060

E-mail: maliazar@yahoo.com

6489 Camden Ave. Suite 104, San Jose, CA 95120